



Pathology of language behavior of Iranian subject in cyberspace from the psychoanalytical perspective of Jacques Lacan

Elahe Barzegar^{1*},  Farzad Baloo²

¹. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Mazandaran

². Postdoctoral researcher in Persian language and literature, University of Mazandaran

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:

08/01/2025

Accepted:

26/05/2025

The new world, especially the post-modern world, with a lot of technology and mass and virtual communication media, has revealed a fragmented identity of today's people. Based on this, maybe every country can handle the protection of its geographical borders, but with the existence of the Internet and cyberspace, the preservation and protection of the culture and language of nations seems far from reach. Today, the language behavior of the Persian language user in the cyberspace is moving in the direction of distorting the language and it is in such a way that if it is not paid attention to, it can threaten the health of this language and distort it. Considering the importance of the role of language in the psychoanalysis of Jacques Lacan, this research has investigated the users of cyberspace from the psychoanalytic point of view with a descriptive-analytical method and has pathologicalized the common language in this space. The findings indicate that the Iranian subject distorts the language morphologically and syntactically for many reasons and does not obey the father's law (standard Persian language) by resisting the correct use of language. According to Lacan's perception of the subject's status in the symbolic stage, such a subject needs a master signifier to achieve a semantic and identity stability. It seems that the Academy of Persian Language and Literature, if the necessary preparations are made and with the cooperation of cultural institutions such as education and training, universities, etc., can be a meaningful signifier for the subject in a stabilizing position. The standard Persian language should appear and guarantee the health of the structure of the Persian language to a large extent and remove the existing damages.

Keywords: psychoanalysis, Persian language, cyberspace, Lacan, symbolic.

Cite this article: Baloo, Farzad; Barzegar, Elahe (2025), *Pathology of language behavior of Iranian subject in cyberspace from the psychoanalytical perspective of Jacques Lacan*, Interdisciplinary research in Persian Language and literature, Vol. 4, New Series, No.1, spring and summer 2025: pages:197-223.

DOI: 10.30479/irpli.2025.21438.1238



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Elahe Barzegar

Address: Babolsar, University of Mazandaran

E-mail: elahe.barzegar9371@gmail.com

آسیب‌شناسی رفتار زبانی سوژه‌ی ایرانی در فضای مجازی از منظر روان‌کاوی ژاک لاکانالهه برزگر^۱،  فرزاد بالو^۲^۱ پژوهشگر پسادکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران^۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران**اطلاعات مقاله چکیده**

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳/۱۰/۱۹

پذیرش:

۱۴۰۴/۰۲/۰۶

جهان جدید به‌ویژه جهان پسامدرن با انبوهی از فناوری و رسانه‌های ارتباط جمعی و مجازی، هویتی چهل‌تکه از انسان‌های امروزی نمایان ساخته‌است. بر این اساس، شاید هر کشوری از پس صیانت مرزهای جغرافیایی‌اش برآید اما با وجود اینترنت و فضاهای مجازی، حفظ و حراست از فرهنگ و زبان ملت‌ها دور از دسترس به‌نظر می‌رسد. چنان‌که امروزه رفتار زبانی کاربر فارسی‌زبان در فضای مجازی درجهت تحریف زبان پیش می‌رود و به‌گونه‌ای است که اگر بدان توجه نشود، می‌تواند سلامت این زبان را تهدید کرده و آن را تحریف نماید. با توجه به اهمیت نقش زبان در روان‌کاوی ژاک لاکان، این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی کاربران فضای مجازی را در جایگاه سوژه از منظر روانکاوانه بررسی نموده و زبان رایج در این فضا را آسیب‌شناسی کرده‌است. یافته‌ها حاکی از آن است که سوژه‌ی ایرانی به دلایل متعدد به تحریف صرفی و نحوی زبان پرداخته و با مقاومت در برابر استفاده صحیح زبان، از قانون پدر (زبان فارسی معیار) تبعیت نمی‌کند. مطابق با تلقی لاکانی از وضعیت سوژه در مرحله‌ی نمادین، چنین سوژه‌ای برای رسیدن به یک ثبات معنایی و هویتی به یک دالّ ارباب نیاز دارد. به‌نظر می‌رسد فرهنگستان زبان و ادب فارسی در صورت تمهید مقدمات لازم و با همکاری نهادهایی چون آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، شورای انقلاب فرهنگی، سازمان فضای مجازی کشور، صدا و سیما و... می‌تواند برای سوژه به‌عنوان یک دالّ معنادار برای تثبیت زبان فارسی معیار ظاهر شود و تا حدود زیادی سلامت ساختمان زبان فارسی را تضمین کند و آسیب‌های موجود را برطرف گرداند.

کلمات کلیدی: روان‌کاوی، زبان فارسی، فضای مجازی، لاکان، نمادین.

استناد: برزگر، الهه؛ بالو، فرزاد (۱۴۰۴). آسیب‌شناسی رفتار زبانی سوژه‌ی ایرانی در فضای مجازی از منظر روان‌کاوی ژاک لاکان، دوفصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی، سال چهارم، دوره جدید، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۴: ۱۹۷-۲۲۳.

DOI : 10.30479/IRPLI.2025.21438.1238



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ره)

۱. مقدمه

هویت از مهم‌ترین بحث‌های مورد توجه در طول تاریخ زندگی بشر بوده است. انسان همواره به دنبال پاسخ‌گویی به پرسش‌های اساسی هم‌چون پرسش از هستی، چیستی و کیستی خود بوده است. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت زبان می‌باشد که به عنوان عنصری مهم، اولین و بزرگ‌ترین ابزار انسان برای برقراری ارتباط با خود و دیگران است. نقش زبان در زندگی فردی و اجتماعی آدمی به اندازه‌ای است که می‌توان گفت بدون زبان، انسان وجود ندارد.

با پیشرفت و استفاده‌ی روزافزون از اینترنت و شبکه‌های مجازی، افراد بیش از پیش به شیوه‌های گوناگون و در قالب صفحه‌های مختلف از جمله واتس‌آپ، تلگرام، اینستاگرام، یوتیوب، فیس‌بوک و... با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و اطلاعات فراوانی را به اشتراک می‌گذارند. چنان‌که گفته شد، این توسعه و آسایش حاصل از آن، در کنار فواید، آسیب‌هایی را هم به حوزه‌های مختلف زندگی انسان وارد کرده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها به زبان و به تبع آن مسئله‌ی هویت است. به نظر می‌رسد در این زمینه برتری با فرهنگی است که سعی در تسخیر این فضای مجازی دارد و با تبلیغ و رواج مؤلفه‌های فرهنگ خود می‌کوشد تا سایر فرهنگ‌ها را به حاشیه رانده و به عنوان فرهنگ مسلط بر جهان حکومت نماید. در این میان، زبان فرهنگ‌های مغلوب مورد تهدید و در معرض خطر نابودی قرار می‌گیرد و هنگامی که زبان یک فرهنگ فراموش شود، سایر منابع فرهنگی نیز در معرض خطر خواهند بود زیرا زبان مهم‌ترین عنصر و ابزار برای حفظ و انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر در میان جوامع به شمار می‌رود.

امروزه، روان‌کاوی ژاک لاکان به دلیل تلفیق با سایر علوم و توجه ویژه به زبان، در پژوهش‌های بسیاری مورد توجه و استفاده قرار می‌گیرد. با توجه به نظریه‌ی روان‌کاوی لاکان، گویی شکستن قوانین زبان رسمی و روی آوردن به زبان غیرمتداول در فضای مجازی و شکسته حرف زدن و نوشتن، می‌تواند ارتباط تنگاتنگی با ناخودآگاه و ساحت‌های روانی انسان داشته باشد. از این رو با توجه به اهمیت و نقش مهم زبان در روان‌کاوی لاکان، این پژوهش آسیب‌شناسی زبان در فضای مجازی را در این زمینه مورد بررسی قرار می‌دهد تا شاید از رهگذر نتایج حاصل از آن بتوان تا حدودی از بعضی آسیب‌ها جلوگیری نمود و برای حفظ و ترویج و اشاعه‌ی زبان کوشید. درواقع، با بررسی روان‌کاوانه‌ی کاربران فضای مجازی به عنوان

سوژه‌های لاکانی می‌توان تا حدود زیادی به علل، عوامل و انگیزه‌های آنان در نحوه‌ی برخورد و استفاده از زبان در این حوزه پی برد و در پرتو آن، راهکارهایی برای جلوگیری از خطر نابودی زبان در این عرصه ارائه کرد.

۱-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

از آن‌جا که زبان یکی از جنبه‌های مهم روان انسان‌هاست، بررسی و آسیب‌شناسی آن ازمنظر علم روان‌شناسی و روان‌کاوی نیز می‌تواند حقایق تازه‌ای از نقش آن در زندگی و روان انسان‌ها را نشان دهد. این پژوهش از نوع پژوهش‌های کاربردی است که با روش توصیفی - تحلیلی و تحلیل کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که با توجه به اهمیت و نقش زبان در روان‌کاوی لاکانی، آیا می‌توان زبان رایجی را که کاربران فارسی‌زبان در فضای مجازی استفاده می‌کنند، ازمنظر این روان‌کاوی بررسی و آسیب‌شناسی کرد؟ و این‌که رابطه‌ی انسان ایرانی در طول تاریخ به‌عنوان سوژه‌ی لاکانی با زبان در نظام نمادین چگونه بوده و این رابطه در عصر حاضر و در بستر فضای مجازی چه شکلی به خود گرفته‌است؟ چه راهکارهایی برای برون‌شدن از وضعیت موجود می‌توان ارائه داد؟

۲-۱. حدود پژوهش

تمرکز این پژوهش بر روان‌کاوی لاکان و شناخت مؤلفه‌های آن و بررسی این مؤلفه‌ها در رفتار زبانی سوژه‌ی فارسی‌زبان در دوران مدرن و پست‌مدرن به‌ویژه در فضای مجازی است. در عین حال، نوشته‌های سوژه‌ی ایرانی به‌ویژه در فضای مجازی ازجمله تلگرام، اینستاگرام، واتس‌آپ و... حدود این پژوهش را تشکیل می‌دهند.

۳-۱. پیشینه‌ی پژوهش

در زمینه‌ی هویت، نقش زبان و فرهنگ در آن و اهمیت هویت در روان انسان و نیز نقش فضای مجازی در این حوزه، فراوان گفته و نوشته‌اند. «شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت» از معمار و همکاران (۱۳۹۱)، بحران هویتی حاصل از فضای مجازی را بررسی کرده‌است. «فضای مجازی و زبان فارسی: غیر معیارهای نوشتاری در شبکه‌ی اجتماعی تلگرام» از هدایت‌مفیدی و همکاران (۱۳۹۶) با مقایسه‌ی زبان فارسی رایج در فضای مجازی و زبان معیار، «نشان داده که زبان فارسی به کار گرفته‌شده در این فضاها دارای معایب و اشکالات اساسی است» (همان:

۶۵). مقاله‌ی «تأملی بر «سوژه» ژاک لکان در بستر «زبان» دگرپرسی و یا تکامل زبان؟» از نژادمحمد (۱۳۹۷) با برداشت‌های لکان از زبان، معنا و گفتار را در زنجیره‌های «معنایی»، «نشانه‌ای» و «دال‌ها» نمایان کرده‌است. برقی و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله‌ی «واکاوی هیستریک شدن سوژه‌ی ایرانی در دهه‌ی اخیر براساس نظریه‌ی لاکان» و تربتی (۱۴۰۱ و ۱۳۹۹) در «واکاوی ارتباطات میان‌فردی با تأکید بر سوژه‌ی خط‌خورده‌ی لکان (مورد مطالعه: تحلیل روابط میان‌فردی در فیلم سینمایی برادریم خسرو)» و «افسون‌زدگی سوژه‌های هیستریک در دوران پساحقیقت کرونا و رسانه‌های مجازی» از مناظر گوناگونی به بررسی سوژه پرداخته‌اند. در این میان، جای خالی پژوهشی که زبان فارسی رایج در فضای مجازی را از منظر روان‌کاوی لاکان بررسی کرده باشد، نویسنده را بر آن داشت تا به تحقیق در این زمینه بپردازد.

۲- چهارچوب نظری

۲-۱. نقد روان‌کاوی و لاکان

ژاک لاکان، از فیلسوفان و روان‌کاوان پسا فرویدی و از اندیشمندان پسامدرن فرانسوی است که با ارائه‌ی نظریات خود، تحولات چشمگیری در روان‌کاوی جدید پسا ساختارگرا ایجاد نمود. او با بهره‌گیری از آرای سوسور، زبان‌شناس ساختارگرا و استراوس، قوم‌شناس معروف، اندیشه‌ی بازگشت به فروید را در روان‌کاوی مطرح کرد. در واقع لاکان با روشی میان‌رشته‌ای به مفهوم ناخودآگاه پرداخت. او با استفاده از برداشت ساختارگرایی درباره‌ی شکل‌گیری سوژه در زبان و نیز با تلفیق روان‌کاوی فروید و دستاوردهای زبان‌شناسی ساخت‌گرا کوشید تا نشان دهد که «ناخودآگاه انسان ساختاری شبیه به زبان دارد» (هومر، ۱۴۰۰: ۹۷). یعنی همان‌گونه که زبان دارای نظام دالّ و مدلول است، ناخودآگاه آدمی نیز چنین ساختاری دارد. به عقیده‌ی او در روان‌کاوی نیز هم‌چون زبان‌شناسی، نظام نشانه‌ای برقرار است. به‌صورتی که یک دالّ، معنا یا مفهومی (مدلولی) را به ذهن متبادر می‌کند.

۲-۲. ساختار روان از منظر لاکان

لاکان، ساختار روان فرد را متشکل از سه حوزه می‌داند که مانند سه حلقه به هم گره خورده‌اند و این سه را بُعد خیالی، نمادین و واقع می‌نامد که زیربنای اصلی ساختار ذهن آدمی براساس آن‌ها ساخته شده‌است. از نظر او، انسجام این سه رکن برای ادامه‌ی حیات ضروری است و اگر یکی تزلزل یابد، «انسجام کلّ نظام نفسانی نیز بر هم خواهد خورد» (مولّی، ۱۴۰۱: ۲۹۰).

۲-۲-۱. ساحت خیالی، مرحله‌ی آینه‌ای

ساحت خیالی، حالتی است که در آن، فرد ارتباط خود را با جهان پیرامون، نه براساس واقعیت بلکه براساس تصور خود از هستی برقرار می‌کند و خود را با اطرافیان یک‌پارچه می‌انگارد و هنوز هویت مستقلی ندارد. کودک از ۶ تا ۱۸ ماهگی در این ساحت حضور دارد و پایان آن مرحله‌ی آینه‌ای است. در این مرحله، کودک با دیدن تصویر خود در آینه، نخستین بار با مفهوم «دیگری» مواجه می‌شود. وی با دیدن تصویر خود در آینه (آینه‌ی واقعی یا مادر و مراقبان)، به درک منسجمی از خود و تا حدودی به آرامش می‌رسد و می‌کوشد مثل آن‌ها کامل باشد. این تلاش، نفس یا من را در وجود او شکل می‌دهد که خود را به اشتباه یک وجود کامل می‌یابد. لاکان این ساحت را خوار می‌شمارد و معتقد است دوران مدرن، نماینده‌ی اوج امر خیالی بشر است زیرا همواره به خود مشغول و در پی تسخیر جهان می‌باشد.

در این مرحله، فرایند هویت‌یابی سوژه آغاز می‌شود. کودک ابتدا در مرحله‌ی آینه‌ای به باور تسلط بر خود دست می‌یابد اما در جایی بیرون از خود. بنابراین «احساس خودی یک‌پارچه به بهای دیگری بودن این خود، یعنی تصویر آینه‌ای‌مان، تمام می‌شود» (هومر، ۱۴۰۰: ۴۴). این جاست که بیگانگی نیز در سوژه شکل می‌گیرد.

۲-۲-۲. ساحت نمادین و قانون پدر

این مرحله با سخن‌گفتن آغاز می‌شود. کودک با آموختن زبان و دال‌های آن، در زنجیره‌ی گفتار اسیر می‌شود و برای جست‌وجوی هویت مستقل خود به کمک زبان با محیط پیرامون ارتباط برقرار می‌کند.

امر نمادین به آداب و رسوم، فرهنگ، قوانین، هنجارها و سنت‌ها و موضوع‌های فرهنگی و اجتماعی اشاره دارد که به روش‌های گوناگون با زبان آمیخته شده و شامل تمام چیزهایی است که ما آن‌ها را واقعیت می‌نامیم. همان جامعه‌ی انسانی است که در آن حضور داریم. لاکان معتقد است زنجیره‌ی دلالت یا قانون دال، امر نمادین را بر پا می‌کند. بنابراین، عنصر اصلی در نظم نمادین زبان است که در خارج از سوژه قرار دارد. زبان برای لاکان هم در توضیح ناخودآگاه و هم در شکل‌گیری سوژه اهمیت به‌سزایی دارد. زیرا زبان با تعیین سوژه از آن مرکززدایی می‌کند. لاکان زبان را به‌عنوان دیگری بزرگ‌تری می‌داند که با وضع قوانین، سوژه را به بند می‌-

کشاند. درواقع «ساحت رمز و اشارت دارای شئون و اطوار مختلفی است که قانون یکی از مهم‌ترین آنهاست» (موللی، ۱۴۰۱: ۸۹ و ۹۰).

کودک در حدود دو سالگی با پذیرش قانون پدر وارد دنیای زبان و قانون‌پذیر می‌شود. او به‌طور طبیعی در روند رشد روانی، باید مراحل نظم‌نمادین را پشت‌سر بگذارد تا بتواند سوژه بماند. درواقع، برای ادامه‌ی حیات نفسانی، ناچار به پذیرش و تسلیم در برابر آن است. لذا یکی از نشانه‌های تحقق سوژکتیویته، پذیرش قانون پدر و نظم‌نمادین است و نپذیرفتن آن می‌تواند به شکل‌های گوناگونی از جمله مخالفت با قانون نمایان شود.

زبان نیز به‌عنوان عنصر مهم نظم‌نمادین، قانون خاص خود را دارد. فردی که متعلق به یک نهاد یا گروه است، به‌ناچار باید تابع قوانین آن باشد. انسان‌ها در جریان سخن‌گفتن و برقراری ارتباط خود به‌طور ناخودآگاه از قواعد و دستور زبانی پیروی می‌کنند که ظاهراً به چشم نمی‌آیند اما در صورت عدول از آن‌ها، به شدت برجسته می‌شوند.

۲-۲-۳. امر واقع

امر واقع، حیطه‌ای از زندگی است که نمی‌توان آن را شناخت. در مرز میان امر خیالی و نمادین قرار دارد. جهانی است بدون زبان که به نمادین‌شدن تن نمی‌دهد تا قابل شناسایی باشد. این ساحت، گستره‌ای است که امیال و آرزوها و خواسته‌های بشر را در بر می‌گیرد و همان آرمان-شهر است که بشر با ورود به امر نمادین، توانایی رسیدن به آن را از دست می‌دهد زیرا به‌مثابه‌ی یک شکاف درون نظم نمادین است. مرحله‌ای برخوردار از ابژه‌ای متعالی.

۳. بحث اصلی

۳-۱. دیگری، هویت‌یابی و از خودبیگانگی از منظر لاکان

سوژه برای سوژه‌شدن، ناگزیر باید به درک هویتی از خود دست یابد. از منظر بسیاری از فیلسوفان وجودشناختی، حضور یک غیر یا عنصری بیرونی برای درک از خود و شکل‌گیری هویت ضروری است. زیرا اساساً شناخت و خودآگاهی را مستلزم وجود یک دیگری می‌دانند. «این تنها در حالت «شناخته‌شدن از... جانب همه‌ی کسان دیگر است که وجود یک انسان، خواه برای خودش و خواه برای دیگران، به‌راستی انسانی می‌شود» (هگل، ۱۳۵۸: ۳۸). در نظریه‌ی لاکان نیز، «دیگری» قانون اصلی هویت سوژه است. این دیگری در مرتبه‌ی نخست، مظنون نیست. بلکه هدف، ایجاد تعادل میان رابطه‌ی سوژه با دیگری است تا سوژکتیویته محقق

شود. بنابراین، سوژه با انطباق هویت با دیگری‌هایی که می‌بیند، در جهت هویت‌یابی خویش اقدام می‌کند. این انطباق از نظر لاکان دو قسم است و سوژه طی دو مرحله به هویت دست می‌یابد. نخست در مرحله‌ی آینه و سپس در نظم نمادین و در طی همین مراحل نیز از خود بیگانه می‌شود.

چنان‌که گفته‌شد، در مرحله‌ی آینه‌ای سوژه در کلام و زبان دیگران خودش را غیر از آنچه که واقعاً هست، می‌بیند و برای اولین بار احساس جدایی می‌کند. مهم‌ترین مسئله در این مرحله، همانندسازی من با تصویری از دیگری است که ایماگو نامیده می‌شود. «تصویری خیالی که فرد از نخستین ابژه‌های خود برای خویش می‌سازد و آن را به‌صورتی آرمانی درمی‌آورد و با آن همذات‌پنداری می‌کند» (جانستون، ۱۳۹۴: ۴۲ و ۴۳). این همذات‌پنداری با تصویر آرمانی، مانع خودآگاهی فرد از طریق پوشاندن خلأها می‌گردد و حقیقت و گریز از آن را پنهان می‌کند. در چنین هویتی فرد دچار بیگانگی شده و در عین خالی‌بودن، احساس پر بودن می‌کند.

دومین جایگاهی که سوژه از خود بیگانه می‌شود، در جریان هویت‌یابی نمادین است. این مرحله‌ی مهمی است که سوژه در آن با دیگری‌های بیش‌تری آشنا می‌شود اما در این حوزه نیز نمی‌تواند خود واقعی‌اش را بیابد زیرا هر بیانی، دیگری محسوب می‌شود. سوژه در ادامه‌ی حضور در امر نمادین، با یک همذات‌پنداری دیگر در مسیر هویت‌یابی ناخودآگاه از خود فاصله می‌گیرد و با درون‌فکنی آنچه جامعه در قالب ابژه‌ی دیگری مطرح می‌کند، از بودن خود خارج می‌شود. سوژه‌ای که خود را با فرهنگ و تمدن خویش همانندسازی کرده‌است، به‌تدریج فرهنگی می‌شود و با استفاده از زبان، فاصله‌ای بین سوژه با خود واقعی‌اش شکل می‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت زبان بعد از تصویر مرحله‌ی آینه‌ای، دیگری دیگری است که سوژه را برای دومین بار از خود بیگانه می‌کند.

۲-۳. سوژه‌ی ایرانی و دیگری

مطابق مفهوم دیگری، باید گفت سوژه‌ی ایرانی در روند تاریخی خود همواره با یک غیر روبه‌رو بوده‌است. یونان و روم، ترکان، اعراب و اسلام، غرب و... را می‌توان جزء این دیگری‌ها برشمرد. در داستان‌های شاهنامه نیز انیران و توران دیگری‌های اسطوره‌ای و افسانه‌ای سوژه‌ی ایرانی هستند. از این‌رو، وی در هر دوره در گفتمانی قرار داشته که متأثر از حضور یک دیگری بوده و بدون آن‌که سوژه متوجه باشد، بر نحوه‌ی نگرش و ساختن هویت او تأثیرگذار بوده-

است. از آن‌جا که فهم انسان از درک خود و واقعیت جهان، براساس شرایط هر دوره و نسبی است، انسان ایرانی نیز که در جریان تاریخ با گفتمان‌های متعدد و گاه متضادی روبه‌رو بوده، در هر دوره با نگرش خاصی در قالب یک سوژه رفتار کرده‌است. یکی از این رفتارها در زمینه‌ی کاربرد زبان به‌عنوان عنصری فرهنگی است. «از آن روزی که ایرانی خود را تعریف نمود...، بخش عمده‌ای از مؤلفه‌های شناسایی خود را از زبان گرفت» (مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۱۵).

هویت ایرانی را بر ساخته از سه فرهنگ ملی، دینی و غربی (سروش، ۱۳۸۶: ۱۵۴) دانسته‌اند و دوره‌های تاریخی حضور آن‌ها را می‌توان این‌گونه نام برد: باستانی (پیش از اسلام)، اسلامی، (پس از اسلام) غربی (ایران مشروطه تا عصر حاضر).

۳-۲-۱. فرهنگ ملی: دوره‌ی باستانی

اگر بخواهیم مسیر زبان را در این دوران پیگیری کنیم، باید بگوییم آریایی‌ها پس از مهاجرت به ایران و مواجهه با اقوام بومی این سرزمین تحت‌تأثیر آن‌ها قرار گرفتند. قبل از مهاجرت آن‌ها به سرزمین کنونی، بومیان این‌جا زبان خود را داشتند. از جمله سومری، آشوری، عیلامی و سامی و بدون شک اقوام ایرانی پس از استیلا بر سرزمین سومریان و عیلامیان، از فرهنگ و تمدن و زبان آن‌ها نیز تأثیر پذیرفته‌اند. مطابق روان‌کاوی لاکان، سومریان جزء نخستین دیگری‌هایی هستند که قوم ایرانی با آن‌ها مواجه شدند و خط میخی که از اختراعات سومریان است (ناتل‌خانلری، ۱۳۷۴: ۱۳۹) در دوره‌ی هخامنشی رواج یافت. بعد از شکست هخامنشیان از حدود سال ۳۳۰ ق. م با تسلط مقدونی‌ها و آمدن سلوکیان زبان یونانی رایج شد. در این دوران که آن را عصر هلنیسم می‌نامند، یونانیان به ترویج فرهنگ و تمدن خود به‌ویژه در ایران پرداختند. در این میان، اشکانیان بسیار تحت‌تأثیر آنان قرار گرفتند به‌گونه‌ای که به زبان یونانی و به تقلید از آن‌ها سکه ضرب می‌کردند و عناوین یونانی را در القاب سلطنتی خود به‌کار می‌بردند.

از دوران اشکانیان و ساسانیان زبان و خط پهلوی رواج یافت و در کنار آن، مسیحیان ایران در شاهنشاهی ساسانی زبان سریانی را به‌کار می‌بردند. پس از شکست ساسانیان از اعراب، دوره‌ی جدیدی از زبان آغاز می‌شود. دو قرن سکوت بر ایرانیان تحمیل می‌شود و پس از آن رفته‌رفته زبان گفتار و نوشتار رایج در دربارها جای خود را به زبان فارسی می‌دهد و فارسی ابتدا در شعر و پس از آن در نثر مجال بازنمایی پیدا می‌کند.

۳-۲-۱. فرهنگ اسلامی: پس از اسلام تا قاجار

پس از حمله‌ی اعراب، سوژه‌ی ایرانی با دیگری تازه‌ای روبه‌رو شد. در این رویارویی، ایرانیان با دین جدیدی آشنا شدند که بسیاری از آموزه‌های آن را درخور توجه و سازگار با علایق خویش یافتند، اما در مقابل فرهنگ و هویت عرب و عناصر آن نه تنها فرهنگ خودی را فراموش نکردند بلکه به کمک زبان فارسی میان فرهنگ باستانی خویش و فرهنگ اسلامی سازگاری و پیوند برقرار نمودند. لذا با پذیرش و تلفیق آن با هویت ایرانی، هویت تازه‌ای با عنوان ایرانی - اسلامی برای خود تعریف کردند. با وجود این، همواره چالشی بین مؤلفه‌های این دو فرهنگ وجود داشت که یکی از مهم‌ترین آن‌ها در حوزه‌ی زبان بود. «در دو سه قرن اول دوره‌ی اسلامی، زبان متداول مردم ایران فارسی دری بود، اما زبان رسمی دیوان رسایل و اداری زبان عربی» (گودرزی، ۱۳۹۰: ۵۷). در این عصر، ایرانیان به دلیل درک بیش‌تر مفاهیم قرآن، قواعد عربی را فراگرفتند و عده‌ای خط کوفی را جایگزین پهلوی کردند. بسیاری از زرتشتی‌هایی که به اسلام می‌گرویدند نیز کتاب‌های پهلوی را رها کرده و به زبان و خط عربی روی می‌آوردند زیرا اغلب آن‌ها را آمیخته با کفر می‌دانستند. از طرف دیگر «بر مسلمین بامعرفت، واجب و ضروری می‌بود تا حدی خط عربی را یاد بگیرند» (براون، ۱۳۵۶: ۲۰). بنابراین، در طول مدت کوتاهی، واژگان و دستور زبان عربی چنان رواج یافت که بعد از مدتی، تفکیک آن از فارسی امکان‌پذیر نبود. آثار بسیاری نیز به عربی نوشته شد و عربی‌دانی و عربی-نویسی از جمله فضایل نویسندگان به‌شمار می‌رفت. «از اواخر سده‌ی ۳ ق، نوشتن فارسی به خط عربی ظاهراً امری همگانی شده بود» (آذرنوش، ۱۳۸۷: ۳۱۵) و برخی چنان به عربی روی آوردند که از خطر نابودی آن نگران بودند. از جمله ثعالبی که حدود ۱۱۰ کتاب به عربی نوشته است (دشتی، ۱۳۹۵: ۴۵) و ابوریحان بیرونی از کسانی که «فارسی را بر عربی برگزیدند به شدت انتقاد می‌کرد» (زاهد و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۸). ظاهراً این دسته از سوژه‌ی ایرانی در این دوره، خود آرمانی را در تصویر آینه‌ی عرب یافته و از آن بسیار تأثیر پذیرفته است.

با حمله‌ی مغول، ایرانیان با یک دیگری وحشتناک و خون‌ریز مواجه شدند اما با وجود قدرت این مهاجمان ترک، باز هم در برابر یورش‌های خانمان‌سوز آن‌ها به‌ویژه از منظر فرهنگی مقاومت کردند. آن‌ها با فعالیت در دربار سلاطین بیگانه، با هوش سرشار اندیشمندان خود توانستند زبان و فرهنگ ایرانی - اسلامی را زنده نگه دارند. با وجود این، هم‌چون گذشته

نتوانستند از تأثیر برخی جنبه‌های فرهنگ مقابل به‌ویژه از نظر زبانی دور بمانند. در نتیجه بسیاری از واژه‌های مغولی وارد زبان و ادب فارسی شده و ماندگار شده‌اند از قبیل اردو، ایل، تومان، خانم، سوغات، شلاق، جرگه، قشون و

در عهد صفوی، حکومت عثمانی، دیگری سوژه‌ی ایرانی بود که آن‌ها را برای نخستین بار با دنیای غرب آشنا کرد. صفویان که ترک‌نژاد بودند، در کنار استفاده از زبان ترکی، فارسی را به-عنوان زبان رسمی پذیرفته بودند. در این دوره ایرانیان با رسمی کردن مذهب شیعه پاسخی درخور در مواجهه با فرهنگ غرب دادند. «اتخاذ مذهب شیعه... پاسخ دیالکتیک جامعه‌ی ایرانی نسبت به غرب مسیحی بود» (موللی، ۱۴۰۱: ۲۴۳) که نشان‌دهنده‌ی تلاش سوژه برای ورود به امر نمادین و پذیرش آن است.

۳-۳-۳. فرهنگ غربی: از قاجار تا عصر حاضر

– از قاجار تا انقلاب ۵۷

دوره‌ی قاجار به‌ویژه از عصر مشروطه آغاز دوران جدیدی در تاریخ ایران، به‌خصوص از نظر فرهنگی است که باورها و عقاید سوژه‌ی ایرانی را به‌طرز چشمگیری دگرگون کرد. در این دوران با اعزام دانشجویان به خارج از کشور و بازگشت آن‌ها، مسئله‌ی غرب‌زدگی و بحران هویت به‌طور جدی مطرح شد. در این دوره سوژه‌ی ایرانی با دیگری‌هایی از جمله روسیه، فرانسه و انگلیس آشنا شد و در مقابل آن‌ها به دو شیوه عمل کرد. نخست گروهی بود که چنان احساس حقارت می‌کرد که خود را باخت و فرهنگ خودی را با همه‌ی عظمت و دیرینگی ناچیز شمرد. لذا درصدد همانندسازی با آن برآمد. اینان معتقد بودند باید یکسره به شکل و شمایل غرب درآمد زیرا آنچه موجب رشد و ترقی در عصر حاضر می‌شد، همانا در دستان دیگری غرب وجود داشت و انسان ایرانی اگر می‌خواست که پیشرفت کند و در جهان حرفی برای گفتن داشته باشد، باید از غرب پیروی و حتی تقلید نماید. اینان در روان‌کاوی لاکان، سوژه‌هایی هستند که خود آرمانی را در آینه‌ی غرب دیده و دلباخته‌ی آن شده‌اند. لذا هویتی که برای خود تصور می‌کنند، بر ساخته از تصویر دیگری و ساختگی است. چنین سوژه‌ای در روند سوژکتیویته با بحران مواجه شده و این امر برای او به‌درستی محقق نشده‌است. در مقابل نیز افرادی حضور داشتند که با اندیشه‌ی غرب‌گرایی به‌شدت مخالف بوده و درصدد مبارزه با آن برآمدند. این گروه با ایده‌ی مشروطه‌ی مشروعه وارد شده بودند و در مقابل مشروطه‌خواهان

غرب‌زده‌ایستادگی می‌کردند. شاید بتوان این دوران را که آغاز مدرنیته در ایران بود، شبه‌مدرن نامید که از ویژگی‌های آن وابستگی همه‌جانبه به بیگانگان و بحران هویتی و آشفتگی در امور ظاهر و باطن و غلبه‌ی هویت برزخی است.

در دوره‌ی پهلوی ناسیونالیسم زبانی با حمایت حاکمیت مرکزی دنبال شد و اولین فرهنگستان زبان ایجاد گردید و روی آوردن به واژگان اصیل باستانی و حذف هر گونه لغت بیگانه از زبان را مطرح کرد که عملاً امکان‌پذیر نبود. زیرا بسیاری از واژگان ترکی و عربی که وارد زبان فارسی شده بودند، چنان با آن درآمیختند که جزئی از آن محسوب شده و رنگ و بوی بومی گرفته بودند. چنین مواجهه‌ای از منظر روان‌کاوی لاکانی، سرپیچی از قانون نام پدر است. سوژه برای زندگی در ساحت نمادین باید قانون پدر را بپذیرد و نپذیرفتن آن نشان‌دهنده‌ی اختلال در روند سوژگی است. در این روند، سوژه به دنیای گذشته پناه می‌برد که می‌تواند نمادی از بازگشت به ساحت خیالی باشد. چنان‌که می‌بینیم، در این دوره، اندیشه‌ی بازگشت به خویشتن، ارزش‌های مربوط به اساطیر و فرهنگ ایران باستان بار دیگر برجسته می‌شود.

– از انقلاب ۵۷ تا عصر حاضر

اندیشه‌ی تجدد که از دوران قاجار و انقلاب مشروطه به وجود آمده بود، پس از انقلاب اسلامی، در مسیری متفاوت قرار گرفت که از آن به جهان پست‌مدرن یاد می‌کنند. پست‌مدرن یکی از ایده‌های فرهنگی عصر حاضر است که با برجسته‌کردن دالّ آزادی جامعه‌ی ایرانی را به چالش کشیده است. سوژه‌ی ایرانی در مقابل دیگری‌های گذشته به نحوی از انجا فرهنگ خود را نمادین کرده است اما در برابر دیگری غرب نتوانسته خود را بیابد. لذا رابطه‌ای قلابی و قالبی میان افراد آنان شکل گرفته (مولّی، ۱۴۰۱: ۲۳۹) و وجدان سوژه‌ی مدرن ایرانی در میان سنت و مدرنیته دوپاره شده است.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای جهان پسامدرن، شکل‌گیری اینترنت است. با روی کار آمدن این فضا شکل تازه‌ای از زندگی برای انسان تعریف شده که قابل مقایسه با دوره‌های پیشین نیست. در این فضا، نگاه به فرهنگ و هویت تغییر کرده و هویت به عنوان یک مفهوم مستقل و در معنای سنتی آن وجود ندارد. به عبارتی، سوژه‌ی پسامدرن هویتی چهل تکه (شایگان، ۱۳۸۰) دارد. در چنین فضایی نمی‌توان انتظار داشت که مواجهه‌ی ما با زبان بیگانه مانند دوره‌ی صفویه و قاجاریه باشد زیرا به واسطه‌ی رسانه‌های ارتباط جمعی و مجازی، فرهنگ‌ها بیش از پیش در

تعامل با هم قرار گرفته و به هم نزدیک شده‌اند. در این میان، متأسفانه «زبان فارسی بسیار می‌ستانند و کم می‌دهد» (ایرانی، ۱۳۷۴: ۳۵۹).

سوژه‌ی عصر حاضر در عرصه‌ی ارتباطات اجتماعی خود با دو نوع زبان مواجه است. یکی زبان معیار و دیگر، زبان رایج در فضای مجازی که تفاوت‌ها و مغایرت‌های زیادی با فارسی معیار دارد.

۳-۴. زبان معیار

زبان معیار، زبان پذیرفته‌شده‌ی رایج در جامعه است که با تغییراتی در شکل، ساخت، نقش و کارکرد به وجود آمده و الگوی زبانی معتبری برای افراد جامعه است و در گفتارهای برنامه‌ریزی شده و نوشتارهای رسمی به کار می‌رود.

امروزه گویی جهان حقیقی در رابطه‌ی دیالکتیک با جهان مجازی قرار گرفته که هر کدام گفتمان‌های مستقلی دارند و زبان معیار، گفتمانی در جهان حقیقی به شمار می‌رود. به عبارتی می‌توان گفت وضعی تراژیک و دیالکتیکی بین زبان این دو جهان شکل می‌گیرد. ارائه‌ی یک زبان معیار با هنجار خاص کار دشواری است زیرا نمی‌توان همه را متقاعد کرد که در صرف و نحو از الگوی واحدی پیروی کنند و به یک شیوه بنویسند. یکی از دلایل اختلاف و تفاوت زبان فضای مجازی با زبان معیار همین است که در اصل هنجار و معیار، اجماعی میان عقلا وجود ندارد. در زبان است که صرف و نحو شکل می‌گیرد و امروزه شاهد مواجهه‌ی انتقادی-اعتراضی از جانب سوژه‌ی مدرن فضای مجازی نسبت به صرف و نحو زبان معیار هستیم. زیرا اساس هنجار و معیار مناقشه‌برانگیز است.

برخی زبان فارسی را دارای دو گونه‌ی معیار نوشتاری و گفتاری (صادقی، ۱۳۶۲: ۱۹ و عامری، ۱۳۹۵: ۲۱) می‌دانند و معتقدند که زبان رایج در فضای مجازی شکل نوشتاری گفتار است. لذا مشکلی در به کارگیری آن نمی‌بینند اما باید توجه نمود که زبان گفتاری نیز هنجارهای خاص خود را دارد و نمی‌توانیم به دلخواه، تلفظ واژگان و شکل نوشتار آن‌ها را تغییر دهیم. هم‌چنین در زبان معیار نوشتاری «ساختار نحوی جملات، واژگان، املا و دستور خط حائز اهمیت بسیاری است» (رضایی، ۱۳۸۳: ۲۵) اما در زبان معیار گفتاری تلفظ اهمیت بیش‌تری دارد. لذا حوزه‌ی هر یک باید مشخص باشد. زبان معیار گفتاری که برنامه‌ریزی نشده باشد، فاصله‌ی زیادی با نوشتار دارد و می‌توان گفت «در مقابل معیار [نوشتاری] قرار می‌گیرد» (قلی‌سارلی، ۱۳۸۴: ۹۳).

۳-۵. زبان فضای مجازی

چنان‌که گفته شد، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای عصر مدرن، فضای مجازی در بستر اینترنت است. این فضا، فضایی است که باید از نقطه‌نظر توپولوژیکی به آن نگریست که «مبتنی بر مفاهیمی چون فاصله، اندازه، ناحیه و زاویه نیست، بلکه بر مفهوم همسایگی است» (تربتی، ۱۳۹۶: ۴۱). این جهان مجازی به موازات جهان واقعی شکل گرفته‌است و با روی کار آمدن آن، شکل تازه‌ای از زندگی برای انسان تعریف شده که قابل مقایسه با دوره‌های پیشین نیست. این فضا به‌عنوان یکی از گسترده‌ترین و مهم‌ترین عرصه‌های برقراری تعاملات اجتماعی، زبان تازه‌ای را شکل داده که در مقابل گفتمان رسمی رایج به‌وجود آمده‌است تا خود را تثبیت کند. تا قبل از گسترش اینترنت و رواج صفحه‌های مجازی، سوژه بیش‌تر با زبان معیار در ارتباط بود و این گونه‌ی زبانی به‌عنوان یک دستور (قانون، نظم نمادین) بر سوژه حکم می‌راند. «با ورود فضای مجازی و اینترنت جهانی [زبان] به یک ساختار و فرم جدیدی تغییر شکل داده و نوع جدیدی از گفتمان زبانی را در حوزه‌ی زبان مقصد ایجاد کرده‌است» (هوشنگی، ۱۳۹۶: ۳۷). به‌عبارتی، با گسترش فضای مجازی و وسعت ارتباطات در آن، به دلیل شرایط خاص این فضا، زبان کاربران نیز دستخوش تغییراتی شد که آن را از شکل اصلی و معیار دور کرد. بنابراین «باید گفتمان غالب اینترنتی را به‌منزله‌ی گفتمانی نوظهور و پر قدرت بپذیریم و لوازم آن را بشناسیم» (عامری، ۱۳۹۵: ۲۴).

به‌نظر می‌رسد زبانی که در فضای مجازی رواج دارد، بر اثر قراردادهای و توافقاتی میان کاربران شکل گرفته‌است. از این رو می‌بینیم که کاربران «در قواعد کلی زبان معیار تغییراتی ایجاد می‌کنند تا هنجارهای خاص خود را به آن‌ها تحمیل کنند و به این ترتیب گونه‌ی زبانی خاص خود را به‌وجود می‌آورند» (عامری، ۱۳۹۵: ۱۲ و ۲۹) که ویژگی‌های واژگانی، نحوی، صرفی و آوایی مختص خود را دارند.

۳-۶. آسیب‌های زبانی ناشی از مواجهه با دیگری و دلایل آن

همان‌طور که گفته شد، ما در رویارویی با دیگری در طول تاریخ، آسیب‌هایی را از سر گذرانیم که بخش مهمی از آن مربوط به زبان است. این آسیب‌ها در دوره‌ی اسلامی، از طرف عربی بود و در دوره‌ی جدید از جانب زبان‌های غربی. نکته‌ی مهم این است که روند این تأثیرگذاری بر زبان فارسی تا عصر حاضر، بیش‌تر به‌صورت وام‌گیری و ورود لغات بیگانه بود نه شکسته-

نویسی و تحریف واژگان. واژگان بیگانه در کنار واژگان فارسی حیات خود را آغاز کرده و بسیاری از آن‌ها ماندگار شدند اما زبان فارسی فضای مجازی نه تنها در کنار واژگان بیگانه کمرنگ شده، بلکه درحال از دست دادن شکل اصیل و هویت خود است.

زبان رایج در فضای مجازی را باید از گونه‌ی زبان محاوره‌ای و گفتاری به حساب آورد، اما این، بدان معنا نیست که بتوان فارغ از هر گونه دستور و قواعد رفتار کرد. گفتار نیز به نوبه‌ی خود قواعدی دارد که اگر رعایت نشود، زبان، مبهم و غیرقابل فهم می‌شود. قرار گرفتن و کاربرد محاوره در کنار زبان معیار امری بدیهی است اما با توجه به تأثیرگذاری این دو، باید این نکته را مد نظر داشت که در عصر حاضر، این تأثیرپذیری از جانب زبان معیار بیش تر است و از آن جا که زبان گفتاری در فضای مجازی در قالب نوشتار ردوبدل می‌شود، وجود اشکال و ایراد در آن تأثیر نامطلوبی بر فرهنگ نوشتاری فارسی‌زبانان می‌گذارد زیرا «واژه‌ی عامیانه‌ی یک نسل می‌تواند واژه‌ی معیار نسل بعد باشد» (افتخاری، ۱۳۸۴: ۳۴).

زبان فضای مجازی تفاوت‌ها و مغایرت‌های زیادی با فارسی معیار دارد. واژگان این زبان اغلب از اسلوب‌های واژه‌سازی فارسی دور و پر از غلط‌های آشکار است. این امر در طولانی مدت می‌تواند این زبان را به ضعف و تنزل بکشاند و آسیب‌های جبران‌ناپذیری به بنیاد زبان فارسی وارد کند و پیامدهای ناخوشایندی بر دو حوزه‌ی صرفی و نحوی بر جا بگذارد. در ادامه به پاره‌ای از این آسیب‌ها اشاره می‌کنیم.

الف) آسیب‌های صرفی زبان

۱) دسته‌ای، واژگان بیگانه هستند که به همراه فناوری مربوط به اینترنت، فضای مجازی و شبکه‌های موجود در آن آمده‌اند. از جمله: آیدی- اپ- اپلیکیشن- اد- ادمین- استوری- اینفلوئنسر- اینوایت- بلاک- تگ- جوین- چت- پروفایل- پست- پیج- ریپورت- ریکوئست- سرچ- سند- سین- شیر- فالو- فالوئر- فرند- کامنت- لایک- لفت- لینک- ممبر- هشتگ و... زیرا دستاوردهای یک فرهنگ جدید، واژگان مربوط به خود را نیز در قالب زبان به همراه می‌آورد و قرض‌گیری واژگانی خیلی راحت تر از ساخت واژه‌ی جدید است اما این وام‌گیری به مرور، زبان را تغییر می‌دهد.

۲) دسته‌ی دیگر شکل درهم ریخته و نامأنوس واژگان و املای نادرست آن است. مانند آده (آره)- اصن- ایجات، باوش (باشه)، بزار- بعله- پسل (پسر)- تو لوح (روح)- چطولی

(چطور) - چلا (چرا) - خدافظ - خوفی؟ (خوبی؟) - داوش (داداش) - دحمل (دختر) - ديقه (دقيقه) - دلام، صل (سلام) - سلوم (سلام) - شوم - عا (آره) - عاجی (آبجی) - عاقا - عایا - عجم (عشقم) - عججم (عزیزم) - عحسن (احسن) - عخش (عشق) - عسیسم (عزیزم) - علکی (الکی) - گودرت (قدرت) - لدفن (لطفاً) - نع - وعضی و...

۳) حذف یا اضافه کردن برخی حروف مانند: الاهی - انقد (آنقدر) - امرو - ب ت چ (به تو چه) - بچ‌ها - بخبم (بخوابم) - بش (باشه) - بعله - پس‌خاله (پسرخاله) - ج (جواب) - چمید (چه می‌دونم) - چن - خاب - خاهش - خدفس (خداحافظ) - خو (خوب) - دژس - دیرو - راجب (راجع به) - ز (زنگ) - صَب (صبر) - صُب (صبح) - فک - قط (قطع) - س، سلم (سلام) - ش (بشه) - ک (که) - کرتم (نوکرتم) - مٹ - مد (مدرسه) - مرم (میرم) - مع (من) - ن (نه) - نَرَم، نَدرَم (ندارم) - نمد (نمی‌دونم) - هس (هست) - هنو - یچی - ینی (یعنی) - واسِ و... که در درازمدت شکل صحیح واژگان را تحریف می‌کند.

در پاره‌ای موارد از تکرار حروف به عنوان اسم صوت برای نشان دادن رفتار خاصی استفاده می‌شود که هر چه شدت آن بیش‌تر باشد، بر تعداد افزوده می‌شود مانند «خ» به جای عمل خندیدن که به صورت خخخ هم نوشته می‌شود.

ب) آسیب‌های نحوی زبان

این حوزه کاربرد شکسته و درهم‌ریخته‌ی جملات است و همان است که درستی دستور زبان را تهدید می‌کند. به عنوان مثال:

۱) برای کوتاه‌تر و سریع‌تر نوشتن، حروف اضافه را حذف می‌کنند. مانند «ما تنها گذاشتن» و...
 ۲) استفاده از جمله‌های نامرتب در کنار هم به منظور طنز بازی کردن مانند «باز هم خدا رو شکر الحمدلله وگرنه والا به خدا» و...

۳) یکسره‌نویسی واژگان جدا از هم که نقش کلمات و مفهوم جمله را نامعلوم می‌کند مانند: اینو - بخدا - بنام - توضیحاتو - خودتو (خودت رو یا خود تو؟!، رفاقت دینم، سلاملکم و...

۴) نوشتن به زبان فارسی با حروف انگلیسی که در اصطلاح فینگلیش نامیده می‌شود مانند: khbi? - slm- che khabar- bashe و... از طرف دیگر واژگان انگلیسی را نیز با حروف فارسی می‌نویسند که موجب به هم ریختگی و ابهام جمله می‌شود. مانند اوکی (باشه) - بای (خدا نگهدار) - کام تو مای استور (به مغازه‌ی من بیا). گاه نیز دو زبان را با هم خلط کرده و جمله

می‌سازند. مثلاً امروز خیلی بی‌زی‌ام- بیا پی وی پی ام بده- چند مین دیگه میام- دان بشه (بارگذاری)- R-be zoodi new style آ (آره)-

۵) گفتاری نویسی مانند: به تعداده- تفعلی زدم- جهان از آنه توسه- خاب (خواب)- خارزن (خواهرزن)- صدایه آب- شخصه بیمار- وایسیم- روزه آخره ماه (روز آخر ماه)- دسته پر (دست پُر) و... چنان‌که می‌بینیم، در نمونه‌های اخیر این‌گونه نوشتن ابهام ایجاد می‌کند. از موارد دیگر آن، نمونه‌هایی است که فرد بدون توجه به املاي درست واژه، گفتارش را می‌نویسد: هم- چون: عاقا، بزار چند تا پصت بزارم- پیرو استوری قبلی- میخاد و... .

۶) ساخت مصدرهای جعلی و ساختگی از سایر واژگان هم‌چون باختیدن، تاپیدن، حرفیدن، زنگیدن، چتیدن، ساختیدن، گوشیدن و... که بر نحو جمله تأثیر می‌گذارند. در ادامه به برخی از دلایل این آسیب‌ها اشاره می‌کنیم.

۱) **فردگرایی و تکثر خودها در پست‌مدرن:** در دنیای جدید، فردیت جدی‌تر شده‌است و هر کس می‌تواند بدون محدودیت خود را بسازد. در این دنیای شبکه‌ای منابع سنتی هویت‌ساز کمرنگ می‌شوند. بنابراین، شکل مطلوب هویت در آن، هویتی است که هر سوژه آزادانه برای خود انتخاب می‌کند و به خود اجازه می‌دهد تا مطابق خواست خویش رفتار نماید. پست-مدرنیست با تأکید بر فردیت، عصیان را در خود دارد و این عصیان را در نحوه‌ی برخورد سوژه با زبان به‌خوبی می‌توان ملاحظه کرد. در این زمینه «ممارست در اعمال ابداعات دل‌خواهی و تداول شیوه‌های نامأنوس نگارش با ایجاد آشفتگی در خط سبب می‌شود مهارت‌های خواندن و نوشتن افراد تغییر یابد» (قیومی و مسگرخویی، ۱۴۰۳: ۱۲).

۲) **جریان‌های ادبی جدید:** در دهه‌ی هفتاد، پس از ترجمه‌ی آثار اندیشمندانی چون بارت، دریدا، فوکو و... جامعه‌ی ادبی با رویکرد پست‌مدرن آشنا شد و جریانی با عنوان جریان شعر زبان به‌وجود آمد که تلقی تازه‌ای از شعر و ادب ایجاد کرد. شاید ساخت واژه توسط شاعران و نویسندگان نوپرداز این ذهنیت را در سوژه‌ی مدرن به‌وجود آورده‌است که می‌توان واژگان جدیدی خلق کرد و مطابق سلیقه‌ی شخصی سخن گفت و نوشت.

۳) **نظریه‌های زبان‌شناسی جدید:** قانون و نام پدر به‌عنوان یک هنجار در حوزه‌ی دستور زبان صدق می‌کند اما در زبان‌شناسی فقط بحث مفهوم اهمیت دارد زیرا مهم‌ترین نقش زبان را ایجاد ارتباط می‌داند. لذا به‌نظر می‌رسد که سوژه‌ی فضای مجازی که بیش از هر چیز دغدغه‌ی ایجاد

ارتباط را دارد، نسبت به تخطی از دستور زبان بی‌توجه است. در این میان، نظریه‌ها و کارهای زبان‌شناسانی هم‌چون محمدرضا باطنی در دوره‌ی معاصر، در طرز تلقی سوژه‌ی مدرن از زبان تأثیرگذار بوده‌است. بنابراین، سوژه میان گفتار و نوشتار چندان تمایزی قائل نیست و همان‌طور که سخن می‌گوید، می‌نویسد.

۴) **کم‌کوشی زبانی:** از جنبه‌ی روانی، انسان می‌کوشد برای انجام هر کاری کم‌ترین تلاش و انرژی را به‌کار گیرد. در سخن‌گفتن نیز این امر صدق می‌کند. هم‌چنین سرعت عملی که در نوشتن در این فضا وجود دارد، موجب شده واژه‌ها شکسته و ابتر شوند اما باید توجه داشت زیاده‌روی در آن، معنی و مفهوم را مبهم می‌کند. درواقع «شرط وقوع صرفه‌جویی، عدم ایجاد خلل در بار معنایی آن سازه‌ی زبانی است» (افتخاری، ۱۳۸۴: ۳۵). چنان‌که می‌بینیم، بسیاری از واژگانی که در گروه‌های مجازی به‌طور خلاصه یا مخفف به‌کار می‌روند، چندان قابل‌فهم نبوده و جز برای اعضای همان گروه‌ها واضح و آشکار نیستند.

۵) **رشد و پیشرفت فناوری ارتباطات و گسترش اینترنت و نقش عمده و دائمی آن در زندگی روزمره‌ی افراد:** انسان امروزی، دیگر مانند قبل از اخبار و وقایع جهان، بی‌خبر نیست بلکه هر لحظه با دورترین نقاط روی زمین ارتباط برقرار می‌کند. در این میان، فرهنگ‌هایی که می‌کوشند بر دیگران مسلط شوند، حضور فعال‌تری در این عرصه خواهند داشت. از آن‌جا که اینترنت و دستاوردهای حاصل از آن محصول فرهنگ غرب است، بدیهی است که دست-اندرکاران این حوزه بکوشند عقاید و باورهای خود را به گونه‌های جذاب در این فضا عرضه نمایند تا از این طریق فرهنگ خود را به‌عنوان فرهنگ غالب تبلیغ و معرفی کنند. از طرفی، گرایش طبیعی مردم به تنوع‌گرایی و نیازهای جدید بر تأثیرپذیری آنان می‌افزاید.

۶) **استفاده‌ی مفرط از فرهنگ شفاهی:** این امر مرز میان گفتار و نوشتار را از میان می‌برد. مختصرگویی زبان شفاهی منجر به مختصرنویسی در نوشتار فضای مجازی شده‌است و اغلب به‌جای واژگان اصلی از واژه یا علامت‌های اختصاری استفاده می‌شود مانند «اصل دادن» که به معنای معرفی کردن است. «چمتیم» که مخفف چاکر، مخلص و نوکر است.

۷) **عدم جذابیت قواعد زبان معیار:** به‌نظر می‌رسد قواعد دستوری ایدئولوژیک زبان معیار، جذابیتش را برای اقناع سوژه‌ی فضای مجازی از دست داده و سوژه‌ی شکاف‌خورده، دچار روان‌ضربه شده‌است. این سوژه‌ی ایرانی که دال‌های زبان معیار با هنجارهای دستوری را فاقد

معنا یافته، انتقال پیام برای او در درجه‌ی اول اهمیت قرار گرفته‌است لذا به رعایت قواعد مربوط به دستور زبان چندان پایبند نمانده‌است. زیرا وقتی سوژه پاسخ رضایت‌بخشی را از دیگری بزرگ دریافت نمی‌کند، فقدان آن برملا می‌شود و این دیگری بزرگ (زبان معیار) را خط می‌زند. در نتیجه به دنبال ارزش‌های جدید می‌رود. بدین ترتیب، دالّی جایگزین دالّ دیگر می‌شود تا سوژه به لذت مازاد یا ژوئیسانس خود دست یابد که این دالّ در فضای مجازی، همان زبان مطابق با الگوی بیگانه و جدید است. در این روند، زبان نه تنها نمی‌میرد، بلکه در شکلی دیگر ظهور می‌یابد. این زبان، جایگزین زبان معیار قبل شده و سوژه را به سمت مصرف هر چه بیش‌تر زبان جدید به عنوان نوعی فانتزی سوق می‌دهد تا توهم ارضای میل را در او تقویت نماید.

۸) **جنبه‌ی روان‌شناختی:** چنان‌که گفته شد، سوژه برای کسب هویت همیشه به یک دیگری نیاز دارد. انسان ایرانی نیز در تلاش برای سوژه شدن همواره دیگری را مد نظر داشته‌است. این تأثیرپذیری در طول تاریخ با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده‌است و در عصر حاضر، به دلایل ذکر شده، برجسته‌تر می‌نماید. به نظر می‌رسد سوژه‌ی پست‌مدرن در تکه‌ی غربی هویت چهل تکه‌ی خود غرق شده‌است. گویی آموخته که شخصی دیگر است (فینک، ۱۳۹۹: ۱۳۰). این امر می‌تواند آسیب‌هایی را برای حضور او در نظام نمادین و روند سوژگی‌اش ایجاد نماید. در نتیجه سوژه‌ای که از نظر روانی پریشان باشد، زبان آشفته‌ای هم خواهد داشت زیرا «آشفستگی کار زبان خود بازتابی است از آشفستگی کار جهان» (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۸).

هم‌چنین یکی از انگیزه‌های فرد در انتخاب شیوه‌ی سخن گفتن، ابراز وجود و یا اظهار برتری است. گویی سوژه استفاده از واژگان بیگانه را موجب افتخار می‌داند و در صدد نشان دادن توانایی خود در این زمینه است که البته این مورد نیز می‌تواند برخاسته از ویژگی‌های روانی و احساس حقارت در روند هویت‌یابی باشد. هم‌چنین املا‌ی نادرست واژگان که نمونه‌های آن ذکر شد، در برخی موارد برای جلب توجه و به عمد و با هدف ابراز هیجانی خاص به کار می‌رود تا نوشته به‌ویژه در زمینه‌ی تبلیغات برجسته‌تر نماید و روان مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد.

۷-۳. راهکار

با توجه به آموزه‌های لاکان، می‌توان گفت در عصر پست‌مدرن، فضای مجازی نماینده‌ای از ساحت نمادین و سوژه بر ساخته‌ی همین نظام و ساختارهای از پیش تعیین شده‌ی آن است. حال چه باید کرد؟ اگر سوژه مقهور گفتمان باشد، برای رسیدن به معنا و هویت نمی‌تواند کاری بکند. بنابراین به یک معیار نیاز دارد که لاکان آن را در نظریه‌های مربوط به گفتمان خویش مطرح می‌کند. وی در سمینار هفدهم درباره‌ی چهار گفتمان صحبت می‌کند که از جمله‌ی آن‌ها گفتمان ارباب است که «نوعی گفتمان اصلی / اولیه» (فینک، ۱۳۹۹: ۲۵۸) محسوب می‌شود. از منظر لاکان سوژه برای غلبه بر شکاف خوردگی خود و رسیدن به تمامیت هویتی، به‌ناچار باید با یک دالّ ارباب در نظام نمادین همان‌انگاری کند. این عمل تنها ابزار برای فائق آمدن بر شکاف درونی و رسیدن به هویت است. درواقع، در نظام نمادین ضروری است که بی‌ثباتی زنجیره‌ی معنایی دالّ‌ها پایان یابد و در یک نقطه به قطعیت برسد. در غیر این صورت، معنا در هیچ دالّی منزل نمی‌یابد و فقدان دالّ ارباب حالتی شبیه به روان‌پریشی ایجاد می‌کند. اما هنگامی که سوژه خود را با یک دالّ همان‌انگار می‌سازد، این دالّ ارباب که خود فاقد معناست، تمامی دالّ‌های دیگر را برای سوژه معنادار و بازنمایی می‌کند. درواقع سوژه در جایگاه بنده برای غلبه بر احساس فقدان خود به ارباب نیازمند است.

در عصر حاضر نیز برای پاس‌داشت زبان فارسی به یک مرجع قوی در جایگاه دالّ ارباب برای سوژه‌ی پست‌مدرن ایرانی نیاز داریم. زیرا این سوژه که به دلایل گوناگون با گرایش نیهیلیستی همراه است، به یک تکیه‌گاه معنایی نیاز دارد.

به‌نظر می‌رسد تأسیس فرهنگستان در دوره‌ی رضاخان، می‌توانست به‌عنوان دالّ ارباب، معیار مناسبی برای زبان فارسی باشد اما در عصر حاضر، به دلایلی از جمله تحکم و اجبار و مورد قبول واقع نشدن واژگان و دستورالعمل‌های فرهنگستان از جانب جامعه و نگاه سلبی بدان، دیگر جایگاه دالّ اربابی خود را ندارد. یعنی حقیقت پنهان آن، که همان فقدان است، آشکار شده و کارکرد خود را از دست داده‌است. در این شرایط فرهنگستان از جایگاه ابژه‌ی والای همان-انگاری سوژه‌ها تنزل کرده و لازم است دوباره با چاره‌اندیشی‌هایی جایگاه اصلی خود را بازیابد. البته فرهنگستان از سال ۱۴۰۰ کوشیده است تا «راهکارهایی برای کم‌کردن تفاوت میان شیوه‌ی نگارش غیررسمی کاربران فارسی‌زبان با نگارش معیار منطبق با دستور خط مصوب فرهنگستان

زبان و ادب فارسی ارائه کند» (قیومی و مسگرخویی، ۱۴۰۳). این امر می‌تواند در جایگاه دالّ ارباب برای سوژه معنا ساز باشد اما از آن‌جا که دخالت عمومی در زبان زیاد شده است، دالّ ارباب‌های گوناگون و گاه متضادی شکل می‌گیرند که معنا را برای سوژه دست‌نیافتنی می‌کند. لذا شیوه‌ی تدوین شده نیز باید در راستای نیازها و علاقه‌مندی‌های مخاطب باشد تا تأثیرگذار گردد. هم‌چنین برخی از پژوهش‌گران راهکارهایی را برای رفع این مشکل ارائه کرده‌اند از جمله تأسیس اداره‌ی ویرایش، ارزیابی سالانه‌ی زبان معیار، اقدامات تشویقی، آموزش، تولید نرم‌افزار، اعمال قوانین و تدوین آیین‌نامه‌های لازم (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۴۱-۳۹) که لزوم همکاری پژوهش‌گران حوزه‌ی زبان و رایانه در زمینه‌ی فراهم کردن امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری برای نظارت بر وضعیت زبان فارسی را می‌طلبد. از طرفی، آموزش و پرورش نیز با ارائه‌ی سند تحول به دنبال رسیدن به چشم‌انداز مورد نظر خود با اهداف زبانی است. اما چنان‌که گفته شد، تا زمانی که این مؤسسات در راستای هم و هماهنگ نباشند، به نظر می‌رسد این بی‌معنایی و آشفتگی به‌ویژه در زمینه‌ی زبان فارسی وجود خواهد داشت.

از آن‌جا که رسانه‌های رسمی‌تر می‌توانند به‌عنوان الگوی زبانی در فضای مجازی قرار گیرند، با پیروی از یک سیاست مدون و مشخص زبانی می‌توانند الگوی مناسبی ارائه کنند. زیرا کار رسانه‌ها با زبان و کلام همراه است لذا باید حساسیت بیش‌تری در این مقوله داشته باشند و زبان معیار را به‌درستی به‌کار گیرند.

بنابراین برنامه‌ریزی زبانی مناسب، آموزش اصولی زبان از پایه در مدارس و دانشگاه، ایجاد حساسیت زبانی به‌ویژه در جوانان و نوجوانان، هم‌راستا بودن زبان نوشتاری و گفتاری معیار در رسانه‌های جمعی از جمله صدا و سیما که به‌عنوان الگوی افراد هستند، طراحی نرم‌افزار اصلاح زبان و نصب بر روی گوشی‌های هوشمند و نیز تدوین فرهنگ لغت مربوط به زبان فضای مجازی برای تعیین حدود واژه‌ها از زبان معیار از جمله راهکارهای پیشنهادی دیگر برای کاستن از میزان آسیب‌هاست. هم‌چنین لازم است انجمن علمی ویراستاری ایران و شورای انقلاب فرهنگی و نیز سازمان فضای مجازی کشور نیز در این زمینه نظارت بیش‌تری داشته باشند. شورای انقلاب فرهنگی بایست از امر حاکمیتی خود استفاده کند برای تدوین قواعدی با کمک فرهنگستان و انجمن علمی و به کمک نهادهای فرهنگی چون صدا و سیما و وزارت خانه‌های آموزش و پرورش و علوم در آموزش عمومی و فرهنگ سازی در جهت بالابردن سواد اینترنتی

جامعه بکوشند. از طریق همه‌ی این مراجع می‌توان الگویی تحت عنوان دالّ ارباب ارائه کرد تا سوژه‌ی فضای مجازی با پذیرش آن بتواند به نوعی ثبات معنایی و هویت در این عرصه‌ی نمادین دست یابد.

۴. نتیجه

با جهانی‌شدن فرهنگ و کوچک‌شدن جهان در فضای مجازی، زبان که ابزار اصلی برقراری ارتباط در این عرصه است، چالش‌های زیادی را برای کاربران آن در حوزه‌ی فرهنگ خودی به وجود آورده و نقش آن در هویت در معرض تهدید قرار گرفته‌است. سوژه‌ی مدرن، از خود واقعی‌اش فاصله گرفته و این بار هم در بیرون از خود و در آینده‌ی دیگری که در قالب فرهنگ غربی نمودار شده، به دنبال یافتن خود است. این دیگری برخلاف دیگری‌های پیشین تاریخی، از چنان جذابیتهای برخوردار است که سوژه‌ی معاصر ایرانی را بسیار تحت‌تأثیر خود قرار داده‌است. این سوژه در مقابل هجوم فرهنگ بیگانه که همه‌روزه و هر لحظه در فضای مجازی در معرض آن قرار دارد، چاره‌ای جز تسلیم ندارد زیرا طرف مقابل را به‌عنوان خود آرمانی پذیرفته و می‌کوشد با آن همانندسازی و هویت خود را با آن منطبق کند. وی در اندیشه‌ی مدرن‌سازی زبان خود، آن را تحریف می‌کند که با توجه به نظریه‌ی لاکان می‌توان گفت سوژه‌ی مدرن که با بحران هویت روبه‌روست، با رد کردن خطوط قرمز به‌ویژه در حوزه‌ی زبانی، از قانون پدر سرپیچی کرده‌است و این نشان می‌دهد که زبان فارسی بیمار شده و به توجه و مراقبت نیاز دارد. بنابراین، از منظر روان‌کاوی لاکان، سوژه‌ی پست‌مدرن که دچار آشفتگی هویتی و زبانی شده‌است، در فضای مجازی به دنبال یک دالّ ارباب می‌گردد. بنابراین، با هماهنگ‌کردن اقدامات فرهنگستان زبان فارسی با سایر نهادهای فرهنگی می‌توان مرجع مناسبی به‌عنوان دالّ ارباب برای سوژه‌ی فارسی‌زبان تعریف کرد تا از طریق آن به یک ثبات معنایی برسد. هم‌چنین با آگاهی‌بخشی به سوژه و نیز استفاده از ظرفیت‌های موجود در فضای مجازی می‌توان از آن به نفع فرهنگ خودی بهره برد و چه‌بسا به‌جای پا پس‌کشیدن به نفع فرهنگ بیگانه با روی آوردن به مؤلفه‌های فرهنگ بومی به احیا و ترویج آن پرداخت.

منابع

کتاب‌ها

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۷)، *چالش میان فارسی و عربی (سده‌های نخست)*، چ دوم، تهران: نی.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۲)، *بازاندیشی زبان فارسی*، چاپ سوم، تهران: مرکز.
- براون، ادوارد (۱۳۵۶)، *تاریخ ادبی ایران*، ج اول، ترجمه‌ی علی‌پاشا صالح، چ سوم، تهران: امیرکبیر.
- جانستون، ایدرین (۱۳۹۴)، *دانشنامه‌ی فلسفه‌ی استنفورد: ژاک لکان*، ترجمه‌ی هیمن برین، تهران: ققنوس.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۶)، *رازدانی و روشنفکری و دینداری*، چ هفتم، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی صراط.
- شایگان، داریوش (۱۳۸۰)، *افسون‌زدگی جدید، هویت چهل تکه و تفکر سیار*، ترجمه‌ی فاطمه ولیانی، تهران: فرزانه روز.
- فینک، بروس (۱۳۹۹)، *سوژه‌ی لاکانی*، ترجمه‌ی علی حسن‌زاده، چ دوم، تهران: بان.
- قیومی، مسعود و مسگرخویی، مریم (۱۴۰۳)، *دستور خط و فرهنگ املاهی فارسی غیر رسمی*، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، آثار.
- موللی، کرامت (۱۴۰۱)، *مبانی روان‌کاوی فروید- لکان*، چ پنجم، تهران: نی.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۴)، *تاریخ زبان فارسی*، ج اول، چ پنجم، تهران: سیمرغ.
- هگل، گ. و. ف (۱۳۵۸)، *خداگان و بنده*، با تفسیر الکساندر کوژو، ترجمه و پیشگفتار: حمید عنایت، تهران: خوارزمی.
- هومر، شون (۱۴۰۰)، *ژاک لاکان*، ترجمه‌ی محمدعلی جعفری، سید محمد ابراهیم طاهائی، چ هفتم، تهران: ققنوس.
- مقالات
- افتخاری، سید اسماعیل (۱۳۸۴)، «نقش کم‌کوشی زبانی در پیدایش زبان محاوره»، *پژوهش‌های ادبی*، ۲ (۷)، ۶۰ - ۲۵.

- ایرانی، ناصر (۱۳۷۴)، «خطرهایی که زبان فارسی را تهدید می‌کند»، *نشر دانش*، ۹۰، ۲۱-۱۵.
- برقی، محسن و همکاران (۱۴۰۳)، «واکاوی هیستریک شدن سوژه ایرانی در دهه اخیر براساس نظریه لاکان»، *فصلنامه علمی پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۱۳، ۴۹، ۹۴-۶۹.
- تربتی، سروناز (۱۳۹۹)، «واکاوی ارتباطات میان‌فردی با تأکید بر سوژه‌ی خط‌خوردی لکان (مورد مطالعه: تحلیل روابط میان‌فردی در فیلم سینمایی برادریم خسرو)»، *فصلنامه‌ی مطالعات رسانه‌های نوین*، سال ششم، ۲۳، ۳۱۴-۲۸۵.
- _____ (۱۳۹۶)، «برساخت فانتزی و تحلیل سوژه‌ی هیستریک در گفت‌وگو فیسبوک با تأکید بر ابژه‌ی نگاه خیره»، *دوفصلنامه‌ی فلسفی شناخت*، ۱۰، ۲، پیاپی ۷۷، ۷۰-۳۹.
- _____ (۱۴۰۱)، «افسون‌زدگی سوژه‌های هیستریک در دوران پساحقیقت کرونا و رسانه‌های مجازی»، *دوفصلنامه‌ی فلسفی شناخت*، ۱۵، ۱، پیاپی ۸۶، ۷۵-۵۵.
- دشتی، محمد (۱۳۹۵)، «نقد کتاب چالش میان فارسی و عربی اثر آذرتاش آذرنوش»، *کاوش‌نامه‌ی ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی-فارسی)*، ۸ (۲۱)، ۶۵-۳۳.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶)، «آسیب‌شناسی زبان مطبوعات»، *رسانه*، ۱۸ (۴)، ۴۲-۹.
- زاهد، فیاض؛ ماشاء‌اللهی، ژامک، موسوی، هدی (۱۳۹۲)، «سیر تحول خط و زبان پارسی در قرون نخستین اسلامی»، *پژوهش در تاریخ*، ۴ (۴)، پیاپی ۱۰، ۸۶-۶۷.
- گودرزی، حسین (۱۳۹۰)، «موقعیت زبان و ادبیات فارسی در ایران عصر صفویه و رابطه‌ی آن با زبان رسمی و ملی»، *مطالعات ملی*، ۱۲ (۳) (۴۷)، ۸۱-۵۴.
- معمار، ثریا؛ عدلی‌پور، صمد و خاکسار، فائزه (۱۳۹۱)، «شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تأکید بر بحران هویتی ایران)»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱ (۴)، ۱۷۶-۱۵۵.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰)، «قومیت‌ها و هویت فرهنگی ایران»، *نامه‌ی پژوهش*، ش ۲۲ و ۲۳، ۲۳۲-۲۰۹.
- نژادمحمد، وحید (۱۳۹۷)، «تأملی بر «سوژه» ژاک لکان در بستر «زبان» دگردیسی و یا تکامل زبان؟»، *پژوهش‌های زبان و ترجمه‌ی فرانسه*، ۱ (۱)، ۱۳۱-۱۰۵.

- هدایت‌مفیدی، مسیح؛ کامیابی گل، عطیه و علیزاده، علی (۱۳۹۶)، «فضای مجازی و زبان فارسی: غیر معیارهای نوشتاری در شبکه‌ی اجتماعی تلگرام»، *مطالعات رسانه‌ای*، ۱۲ (۳) (۳۹)، ۶۵-۸۲.

Resources

- Ashuri, Dariush (2003), *Rethinking the Persian Language*, third edition, Tehran: Markaz.
- Azarnoosh, Azartash (2008), *The Challenge Between Persian and Arabic (First Centuries)*, 2nd ed., Tehran: Ney.
- Bagheri, Mohammad; Mokhtari, Ali; Akwani, Hamdollah and Haqit, Sadegh (2021), "the relationship between the Lacanian subject and the formation of the theories of the failure of the constitutional movement, scientific biannual" *Research on theoretical politics*, year 15, No. 29, pp. 69-94.
- Brown, Edward (1977), *Literary History of Iran*, vol. 1, translated by Ali Pasha Saleh, ch. 3, Tehran: Amir Kabir.
- Dashti, Mohammad (2016), "A Critique of the Book of the Challenge between Persian and Arabic by Azartash Azarnoosh", *Journal of Comparative Literature (Comparative Arabic-Persian Studies)*, 8 (21), 33-65.
- Eftekhari, Seyyed Ismail (2005), "The Role of Language Dilemma in the Emergence of Colloquial Language", *Literary Studies*, 2 (7), 60-25.
- Fink, Bruce (2019), *The Lacanian Subject*, translated by Ali Hassanzadeh, second edition, Tehran: BAN.
- Goodarzi, Hossein (2011), "The Position of Persian Language and Literature in Iran during the Safavid Era and Its Relationship with the Official and National Language", *National Studies*, 12(3 (47)), 54-81.
- Hedayat-e-Mafidi, Masiheh; Kameev-e-Gol, Atiyeh and Alizadeh, Ali (2017), "Cyberspace and Persian Language: Non-standard Writing in the Telegram Social Network", *Media Studies*, 12 (3 (39)), 65-82.
- Hegel, G. W. F. (1979), *Gods and Servants*, with commentary by Alexandre Codge, translation and foreword by Hamid Enayat, Tehran: Kharazmi.
- Homer, Sean (2020), *Jacques Lacan*, translated by Mohammad Ali Jafari, Seyyed Mohammad Ebrahim Tahai, 7th edition, Tehran: Qoghnoos.

- Irani, Naser (1995), "The dangers that threaten the Persian language", *Danesh Publishing*, 90, 15-21.
- Johnston, Adrian (2015), *Stanford Encyclopedia of Philosophy: Jacques Lacan*, translated by Hyman Brain, Tehran: Qoqnoos.
- Maghsoudi, Mojtaba (2001), "Ethnicities and Cultural Identity of Iran", *Research Journal*, No. 22 and 23, 209-232.
- Memar, Soraya; Adlipour, Samad and Khaksar, Faezeh (2012), "Virtual Social Networks and Identity Crisis (with Emphasis on Iran's Identity Crisis)", *Social Studies and Research in Iran*, 1 (4), 155-176.
- Movllali, Karamet (2022), *the foundations of Freud-Lacan psychoanalysis*, Fifth edition, Tehran: Ni.
- Nejad Mohammad, Vahid (2018), "A Reflection on Jacques Lacan's "Subject" in the Context of "Language": Metamorphosis or Evolution of Language?", *French Language and Translation Research*, 1 (1 (1), 105-131.
- Qayumi, Masoud and Mesgarkhoei, Maryam (2024), *Unofficial Persian Calligraphy and Spelling Dictionary*, Tehran: Persian Language and Literature Academy, Works.
- Shaygan, Dariush (1380), *New enchantment*, forty-piece identity and mobile thinking, translated by Fateme Valiani, Tehran: Farzan Rooz.
- Soroush, Abdolkarim (2007), *Mystery, Enlightenment, and Religiosity*, 7th edition, Tehran: Sirat Cultural Institute.
- Torbati, Servanaz (2017), "The Construction of Fantasy and Hysteric subject analysis on Facebook: by Emphasis on Gaze Object", *Philosophical Bi-Quarterly of Knowledge*, Year 10, No. 2, Serial 77, pp. 39-70.
- _____ (2019), "Analysis of interpersonal communication with emphasis on the subject of Lacan's correspondence (case study: analysis of interpersonal relations in the movie Baradaram Khosrow)", *Modern Media Studies Quarterly*, year Sixth, No. 23, pp. 285-314.
- _____ (2022), "The Enchantment of Hysterical Subjects in the Post-Truth Era of Covid19 and the Virtual Media" , *Philosophical Bi-Quarterly Journal of Cognition*, Year 15, No. 1, Serial 86, pp. 55-75.
- Natel Khanlari, Parviz (1995), *History of the Persian Language*, Volume 1, Fifth Edition, Tehran: Simorgh.

- Zahed, Fayyaz; Mashallahi, Zhamak; Mousavi, Hoda (2013), "The Evolution of Persian Calligraphy and Language in the Early Islamic Centuries", *Research in History*, 4 (4), No. 10, 67-86.
- Zolfaghari, Hassan (2007), "Pathology of Press Language", *Media*, 18 (4), 42-9.